

تبرک

تبرک

تبرک، برکت جستن از خداوند، پیامبران، امامان و اولیا و آثار آنان. گذشته از مستندبودن این عمل به شواهد قرآنی و احادیث و سنت نبوی و نیز سیره ائمه علیهم السلام، اعتقاد بدان بر اساس مبانی کلامی و روان شناختی قابل تبیین است. همچنین در غالب ادیان اینگونه اعمال رایج است، برای نمونه می توان به برکت جستن از بزرگان دینی در دین یهود و مراسم عشاء ربانی در مسیحیت اشاره کرد. انسان در عمل برکت جستن سعی دارد به واسطه آثار برکت بخش، از فیض و قدرت الهی بهره مند شود. برکت عطیه ای الهی است که بر انسان و طبیعت و اشیا نزول می یابد و عبارت است از احسان و منفعتی مادّی یا معنوی که از رحمت الهی نشأت می گیرد. بدینسان در نحوه تحقق آن می توان گفت انتقال قدرتی است مقدّس و مؤثر که از جهان فوق طبیعت صادر می شود و کیفیتی نو به متعلّق آن می بخشد.

تبرک، برکت جستن از خداوند، پیامبران، امامان و اولیا و آثار آنان. گذشته از مستندبودن این عمل به شواهد قرآنی و احادیث و سنت نبوی و نیز سیره ائمه علیهم السلام، اعتقاد بدان بر اساس مبانی کلامی و روان شناختی قابل تبیین است. همچنین در غالب ادیان اینگونه اعمال رایج است، برای نمونه می توان به برکت جستن از بزرگان دینی در دین یهود و مراسم عشاء ربانی در مسیحیت اشاره کرد. انسان در عمل برکت جستن سعی دارد به واسطه آثار برکت بخش، از فیض و قدرت الهی بهره مند شود. برکت عطیه ای الهی است که بر انسان و طبیعت و اشیا نزول می یابد و عبارت است از احسان و منفعتی مادّی یا معنوی که از رحمت الهی نشأت می گیرد. بدینسان در نحوه تحقق آن می توان گفت انتقال قدرتی است مقدّس و مؤثر که از جهان فوق طبیعت صادر می شود و کیفیتی نو به متعلّق آن می بخشد.

تبرک و فعل برکت در آیات و احادیث بسیاری تأیید و بر آن تأکید شده است. یکی از مستندات قرآنی تبرک را آیه 93 و 96 سوره یوسف دانسته اند که بنا بر آن یعقوب با برکت جستن از پیراهن یوسف، بینایی اش را بازیافت (رجوع کنید به زمخشری، ج 2، ص 502 - 504؛ فخررازی، ج 18، ص 207.206؛ طنطاوی بن جوهری، ج 4، جزء 7، ص 54؛ مراغی، ج 13، ص 36-38؛ قس قاسمی، ج 9، ص 275.274؛ که عامل بینایی او را سرور و شادمانی می داند). در آیات دیگری نیز به اشخاص و مکانهای متبرک اشاره شده است (مثلاً بقره: 125 در باره مقام ابراهیم، بقره: 218 در باره تابوت بنی اسرائیل، کهف: 21 در باره ساختن مسجد در محل به خواب رفتن اصحاب کهف؛ نیز رجوع کنید به برکت *).

به استناد روایات تاریخی، تبرک به آثار پیامبر اکرم از صدر اسلام رایج بوده است و محدثان و سیره نویسان نیز احادیث و اخبار بسیاری در این باره نقل کرده اند، از جمله اینکه صحابه از آب وضو و باقیمانده غذا و مکان نماز آن حضرت برکت می جستند، فرزندان خود را جهت کام برداشتن (تحنیک) نزد پیامبر می بردند و بعد از رحلت نیز مرقد و منبر ایشان را عامل برکت می دانستند (رجوع کنید به ابن حنبل، ج 4، ص 329-330، ج 6، ص 212؛ بخاری جعفی، ج 1، ص 55، 127؛ مسلم بن حجاج، ج 4، ص 1943؛ ابن حجر عسقلانی، ج 1، ص 5، 96؛ برای آگاهی

بیشتر رجوع کنید به الموسوعة الفقهیة، ج 10، ص 70-74؛ سبحانی، 1414، ص 198-214).
بنابه روایاتی، پیامبر اکرم خود نیز به برکت جستن از آب زمزم و قرآن و گاه محصولات مدینه و مانند اینها ترغیب می کرده اند (رجوع کنید به احمدی، ص 310-329).
به رغم این شواهد از کتاب و سنت، برخی مؤلفان، همچون ابن تیمیّه و پیروانش، تبرک به مرقد و دیگر آثار پیامبر و اولیا را بدعت شمرده و هرگونه برکت جویی از غیر خدا را شرک دانسته اند. در دوره اخیر محمدبن عبدالوهاب و وهابیان، با استناد به چند حدیث بر این عقیده پافشاری کرده اند (برای آگاهی از روایات متعارض و نقد آنها رجوع کنید به سبحانی، 1414، ص 214-219؛ همو، 1417، ص 153-154). عمده ترین مخالفت اینان در برکت جستن از قبر و منبر پیامبر است که بنابه نظر بسیاری از فقهای اهل سنت این اعمال جایز و بدعت بودن آن منتفی است، برای نمونه از عبدالله فرزند امام احمدبن حنبل روایت شده که او از پدرش در باره برکت جستن از منبر و قبر پیامبر سؤال کرد و پدرش پاسخ داد که این کار رواست (رجوع کنید به طبسی، ص 44-47).

از نظر کلامی، کسانی که برکت جستن را منافی با توحید و آن را مصداق شرک دانسته اند، این نکته را در نظر نگرفته اند که به اعتقاد کسی که از چیزی برکت می جوید، فاعل فعل برکت، خداوند است. به تعبیر دیگر، چنین نیست که فعل خداوند در همه امور عالم، بی واسطه باشد؛ خداوند عالم را بر اساس نظامی ایجاد کرده و تحقق بسیاری از امور را به علل و اسباب موکول کرده است. کسی که برکت می جوید، در حقیقت به عوامل و اسبابی که خداوند برای تحقق امور قرار داده، متوسل می شود و بنابراین، کنه آن توسل به خدا و باور به توحید است. نهایت اینکه، در فضای ایمانی، اسباب و عوامل به مجموعه عوامل شناخته شده مادّی منحصر نیست و خداوند از بسیاری راه های ناشناخته فیض می رساند. گزارش قرآن از داستان مریم متضمن نمونه هایی از فیض الاهی، به طریق غیرمعهود، است؛ مریم در محراب به عبادت اشتغال داشت و هر روز که زکریا برای سرکشی به او می رفت با غذایی آماده روبرو می شد و چون از مریم در این باره می پرسید، پاسخ می شنید که این روزی از جانب خداست و خدا به هر که بخواهد بی حساب روزی می دهد (رجوع کنید به آل عمران: 37)، بر همین قیاس است حوادثی که به ولادت عیسی علیه السلام انجامید (رجوع کنید به مریم: 15-26). تأثیر اشیای مادّی و عوامل طبیعی نیز، در تحلیل کلامی و فلسفی، مستند به اراده خداست. در واقع، کسی که از آثار و اشیای پیامبر و اولیای دین برکت می جوید، دایره عوامل مؤثر در این عالم را از محدوده جهان شناخته شده مادّی فراتر می داند (برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به بلاغی، ص 375-457؛ طباطبائی، ج 10، ص 295-296). بر همین اساس، تأثیرگذاری در عالم از راه «برکت» با قانون علیت نیز سازگار است و برخلاف نظر کسانی که برکت جستن را توسل به اموری می دانند که در نظام علّی و معلولی جا ندارد، اعتقاد به تبرک، اعتقاد به این واقعیت است که در نظام علّت و معلول، مجموعه ای از علل ناشناخته وجود دارد.

برکت جویی در روابط محبت آمیز نیز قابل مطرح شدن و بررسی است. گاه در روابط انسانی نیز اقبال و توجه از سر محبت و ارادت به شخصی خاص و اشیا و امور وابسته به او بر کیفیت یا کمیت امور اثر می گذارد (برای گزارش برکت جستن احمدبن حنبل از آب پیراهن امام شافعی رجوع کنید به مقرئ، ص 329؛ قس ابن کثیر، ج 10، ص 346). حال، با توجه به تصریح و تأکید بر محبت داشتن به پیامبر اکرم و اهل بیت و اولیا در سنت اسلامی، مسلماً این محبت بدون آثار و مظاهر در زندگانی مسلمانان نیست و بسیاری از کارهایی که مؤمنان با عنوان برکت جستن از اولیای دین انجام می دهند - و گاه با فرهنگ های بومی و تلقی بسیط و عوامانه آمیخته است - تنها نشانه محبت و پیوند قلبی با آنان است. در این میان ممکن است برخی از این کارها

مستند دینی نداشته باشد، که طبعاً از این حیث مورد تأیید عالمان دینی نیست. با اینهمه، توصیه آنان به کنار گذاشتن این گونه امور، از منظر پالایش و محفوظ نگاه داشتن دین از افزوده ها و تحریف ها بررسی می شود، نه از منظر مبارزه با شرک و بدعت (برای تفصیل رجوع کنید به سبحانی، 1416، ص 121-128).

در باره تبرک، علی احمدی کتاب التبرک و محمدطاهر بن عبدالقادر تبرک الصحابه را نگاشته اند و مجموعه اعمال و ادعیه مستخرج از آیات و احادیث در کتاب البركة اثر محمد بن عبدالرحمان وصّابی (متوفی 166) گرد آمده است.

منابع:

علاوه بر قرآن؛ ابن حجر عسقلانی؛ ابن حنبل، مسندالامام احمد بن حنبل، [قاهره] 1313، چاپ افست بیروت [بی تا.ا.]; ابن کثیر، البداية و النهایة، ج 10، چاپ احمد ملحم و دیگران، بیروت 1407 / 1987؛ علی احمدی، التبرک، بیروت 1403 / 1983؛ محمد بن اسماعیل بخاری جعفی، صحیح البخاری، استانبول 1401 / 1981؛ محمد جواد بلاغی، الردّ علی الوهّابیّة، چاپ محمد علی حکیم، به ضمیمه تراثنا، سال 9، ش 2-3 (ربیع الاخر - رمضان 1414)؛ زمخشری؛ جعفر سبحانی، البدعة: مفهومها، حدّها و آثارها، قم 1416؛ همو، فی ظل اصول الاسلام، بقلم جعفر الهادی، قم 1414؛ همو، الوهّابیّة فی المیزان، تهران 1417؛ طباطبائی؛ نجم الدین طبسی، الوهّابیّة: دعاوی و ردود، تهران 1420؛ طنطاوی بن جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، [بیروت، بی تا.ا.]; محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، قاهره [بی تا.ا.], چاپ افست تهران [بی تا.ا.]; جمال الدین قاسمی، تفسیر القاسمی، المسمی محاسن التأویل، چاپ محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت 1398 / 1978؛ احمد مصطفی مراغی، تفسیر المراغی، بیروت 1985؛ مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، استانبول 1401 / 1981؛ احمد بن محمد مقرئ، فتح المتعال فی مدح النعال، حیدرآباد دکن 1334؛ الموسوعة الفقهیة، ج 10، کویت: وزارة الاوقاف والشئون الاسلامیة، 1407 / 1986. ماخذ: دانشنامه جهان اسلام، ج 6، ص 374